

دیالکتیک دکتترین جریان آزاد اطلاعات

رحمان سعیدی^۱، محمد امین بنی تمیم^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۶، تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۰/۰۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۰

Doi: 10.22034/RCC.2023.2015199.1078

چکیده

دکتترین جریان آزاد اطلاعات پس از جنگ جهانی دوم، به عنوان یک نظریه لیبرالیستی آمریکایی با نقش کلیدی این کشور در نهادینه‌سازی این دکتترین در جهان، به عنوان یکی از چالش برانگیزترین مباحث در سپهر ارتباطات بین‌الملل، نمایان شد. این مفهوم از منظر دیالکتیکی، تعارض‌ها و توافقی‌هایی با مسائل مختلف ملی و بین‌المللی دارد که هدف این تحقیق، بررسی آنها است. این پژوهش، به روش توصیفی-تحلیلی با استناد به منابع کتابخانه‌ای، منشورهای بین‌المللی و قطعنامه‌های متعدد یونسکو، با مروری بر چیستی و سیر تاریخی شکل‌گیری این دکتترین، ضمن بررسی فرصت‌ها و چالش‌های آن، به طرح دیدگاه‌های موافقان و منتقدان آن از منظر حقوق ارتباطات بین‌الملل می‌پردازد و با ارائه مستندات هر گروه، تعارض‌ها و توافقی‌های مطرح در این زمینه را مورد مطالعه قرار می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که با وجود مستندات حقوقی متعدد در منشورهای بین‌المللی دال بر حق آزادی بیان و اندیشه انسان‌ها و حق دسترسی آزادانه به اطلاعات، اما نابرابری‌های زیرساختی فناوریانه موجود در جهان، بر ابعاد نامتوازن این دکتترین از جمله نابرابری‌های اقتصادی، شکاف دیجیتال و شکاف دانایی افزوده و استفاده ابزاری از آن، سبب شکل‌گیری هژمونی و امپریالیسم فرهنگی کشورهای شمال بر کشورهای جنوب شده است. نتایج همچنین نشان می‌دهد که جریان آزاد اطلاعات می‌تواند فرصت‌هایی چون دسترسی به اطلاعات، افزایش سرمایه اجتماعی، آموزش، اشاعه فرهنگی، پیشگیری از فساد و تقویت فرایندهای اصلاحی در جامعه را به عنوان پیامدهای مثبت؛ و چالش‌هایی چون حریم خصوصی، آزادی بیان، مالکیت معنوی، اضافه‌باری اطلاعات و نیز انتشار اطلاعات جعلی را به عنوان پیامدهای منفی به همراه داشته باشد، که در این شرایط نقش دولت‌ها در کنترل و نظارت بر جریان آزاد اطلاعات و نیز نقش شهروندان در مواجهه با چالش‌های آن از طریق افزایش سواد اطلاعاتی و رسانه‌ای، می‌تواند از پیامدهای منفی آن بکاهد.

واژگان کلیدی: حقوق ارتباطات بین‌الملل، جریان آزاد اطلاعات، امپریالیسم فرهنگی، فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی، سواد رسانه‌ای.

۱. دانشیار دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی. Email: r.saeedi@atu.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی. Email: m.banitamim@atu.ac.ir

بیان مسئله

در پی پیروزی متفقین در جنگ جهانی دوم، و نقش محوری ایالات متحده آمریکا در تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ میلادی، این کشور به بازیگر قدرتمندی در عرصه بین‌المللی مبدل شد و با بهره‌گیری از نفوذ ویژه‌ای که در سازمان تازه تأسیس ملل متحد به دست آورده بود، تلاش‌هایش در زمینه شکل‌دهی ساختارهای اطلاعاتی و ارتباطی جهان بر اساس قوانین بین‌المللی و مبانی نظری نوین غربی مانند «جریان آزاد اطلاعات»^۱ و «ارتباطات توسعه بخش»^۲ کارساز شد (معمدنژاد، ۱۳۸۸: ۱۰۱).

سه سال پس از پایان جنگ جهانی دوم، با زمینه‌سازی‌ها و پشتیبانی‌های آمریکا، مهم‌ترین رویداد بین‌المللی در زمینه آزادی اطلاعات تا آن زمان، در جریان «کنفرانس بین‌المللی سازمان ملل درباره آزادی اطلاعات»^۳ در ژنو (۱۹۴۸) شکل گرفت؛ به‌گونه‌ای که در این کنفرانس سنگ بنای نظم نوین بین‌المللی حاکم بر ارتباطات جهان با نام «جریان آزاد اطلاعات» نهاده شد (معمدنژاد، ۱۳۸۸: ۱۰۱). در واقع این امر سبب شد تا آمریکایی‌ها، سلطه و نفوذ خود بر جهان را در پوشش جدیدی با نام اطلاعات و ارتباطات در همه حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و نظامی، اعمال کنند، به‌گونه‌ای که سلطه‌گری اطلاعاتی و ارتباطی به یکی از ارکان مهم سیاست خارجی آنها مبدل شد (مولانا، ۱۳۷۱: ۶).

با پایان یافتن جنگ جهانی دوم، جهان شاهد شکل‌گیری ساختاری دوقطبی در نظام بین‌الملل شد که یک‌سوی آن را، بلوک غرب یا ایالات متحده آمریکا به عنوان پرچم‌دار نظام سرمایه‌داری و بازار آزاد و متحدانش شکل می‌دادند و در سوی دیگر، بلوک شرق یا اتحاد جماهیر شوروی (سابق) به عنوان پرچم‌دار نظام سوسیالیست و کمونیستی و متحدانش قرار داشتند. نخستین رویارویی میان آمریکا و شوروی به عنوان دو قطب لیبرالیسم و سوسیالیسم، در کنفرانس بین‌المللی سازمان ملل درباره آزادی اطلاعات در ژنو (۱۹۴۸) نمایان شد. در این میان، ایالات متحده آمریکا از آزاد بودن کامل اطلاعات در سطح جهان به منظور حفظ تفاهم بین‌المللی و تحکیم صلح حمایت می‌کرد، در مقابل اتحاد جماهیر شوروی از اصل حاکمیت ملی کشورها، نظریه خدمات عمومی دولتی و ضرورت اداره و کنترل وسائل ارتباط جمعی توسط دولت‌ها دفاع می‌کرد و آن را مغایر با منافع ملی کشورها می‌دانست (معمدنژاد، ۱۳۸۳: ۸).

این بحث‌ها و جدال‌ها، رفته‌رفته شکل جدی‌تری به خود گرفت؛ کشورهای مختلف به‌ویژه کشورهای جهان سوم که به‌نوعی خود را قربانی این سیاست‌های ارتباطاتی جهانی می‌دیدند، زبان به اعتراض و نقد جریان آزاد اطلاعات گشودند. در «اعلامیه اصول بنیادی یونسکو درباره کمک رسانه‌های جمعی به تقویت صلح و تفاهم بین‌المللی، ترویج حقوق بشر و مقابله با نژادپرستی و جنگ‌افروزی»^۴ که در هجدهمین اجلاس عمومی یونسکو در پاریس (۱۹۷۸) مورد تأکید و تصویب قرار گرفت، اصل «جریان آزاد اطلاعات» به اصل «جریان متعادل اطلاعات»^۵ تغییر یافت (UNESCO, 1978) اما مخالفت شدید کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا با آن سبب شد تا ضرورت مطالعات دقیق‌تری در این زمینه در دستور کار قرار بگیرد که منجر به ایجاد «کمیسون بین‌المللی مطالعه درباره مشکلات ارتباطات»^۶ به ریاست «شان مک براید»^۷ و ارائه گزارشی با عنوان «یک جهان، چندین صدا»^۸ شد. اجلاس بیست و یکم یونسکو در سال ۱۹۸۰ در بلگراد، نیز ضمن تصویب گزارش نهایی کمیسیون یادشده، بر ضرورت برقراری نظم نوین جهانی اطلاعات و ارتباطات «NWICO» تأکید کرد (معمدنژاد، ۱۳۸۹: ۴۴۹). به دنبال آن در چهارمین اجلاس فوق‌العاده کنفرانس عمومی یونسکو در پاییز ۱۹۸۲ ضمن تدوین برنامه ۵ ساله، «برنامه بزرگ ارتباطات در خدمت انسان»^۹ نیز به تصویب رسید (معمدنژاد، ۴۵۶).

در یک نگاه اجمالی بر گزارش یک جهان چندین صدا، پس از مروری تاریخی بر سیر تطور ارتباطات انسانی از دیرباز تا دوران معاصر در بخش‌های مختلف آن به مناقشات بین‌المللی درباره عدم تعادل و نابرابری‌های ارتباطاتی و تفاوت‌های کشورهای توسعه‌یافته و درحال‌توسعه و یا به‌عبارت‌دیگر کشورهای شمال و جنوب در مسئله دسترسی به زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی می‌پردازد. این گزارش همچنین، جریان اطلاعات را یک‌طرفه عمودی از بالا به پایین ارزیابی می‌کند و بر جریان افقی اطلاعات تأکید می‌کند؛ و با اشاره به وجود سلطه در محتوای ارتباطی، از ارتباطات دموکراتیک‌تر سخن به میان می‌آورد (MacBride, 1980).

دکترین جریان آزاد اطلاعات از زمان طرح در عرصه بین‌الملل تا امروز فراز و نشیب‌های بسیاری را پشت سر نهاده و امروزه با شکل اولیه آن مورد پذیرش جامعه جهانی نیست. یونسکو در طول دهه‌های گذشته، در پی شکل‌گیری

ثابت نیست، و قصد ندارد با تعمیم یافته‌های خود، به قوانین جهان شمول دست یابد و یا وضعیت‌ها را پیش‌بینی کند. بلکه به دنبال، توصیف، فهم پدیده‌ها و کشف الگوهای حاکم به جای قوانین است. این روش برخلاف روش کمی، منطقی استقرایی دارد و پژوهشگر آگاه است که نتایج پژوهش‌اش، به زمینه‌ها و شرایط موجود و زمان پژوهش وابسته است و هر پدیده را باید در موقعیت و بافت مشخصی مورد مطالعه و بررسی قرار داد (جوکار و سامانی، ۱۳۸۴). از سوی دیگر «واقعیت اجتماعی، چیزی جز همین ساخت‌وسازهای اجتماعی نیست. خلق واقعیت، به وسیله مردم و به صورت متکی است.» (ایمان، ۱۳۹۱: ۷۸) در پارادایم تفسیری «برخلاف پارادایم اثباتی، واقعیت در دیدگاه تفسیری، خارج از آگاهی انسان نیست. واقعیت، به لحاظ ذهنی و درونی تجربه می‌شود، به لحاظ اجتماعی از طریق تعاملات انسانی ساخته می‌شود و کنشگران اجتماعی آن را تفسیر می‌کنند.» (همان، ۷۸) بر این اساس، شیوه تفسیری در این پژوهش ناظر بر واقعیت اجتماعی منفرد یا عینی نیست، بلکه بیشتر ناظر بر تجربیات انسانی و زمینه‌های اجتماعی یا هستی‌شناسی شکل‌گیری پدیده در چارچوب‌ها و زمینه‌های تاریخی، اجتماعی و سیاسی است.

چیستی جریان آزاد اطلاعات

دکترین جریان آزاد اطلاعات، نظریه‌ای است که پس از جنگ جهانی دوم و در پی توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی راه دور همچون تلگراف، رادیو، تلویزیون و ماهواره‌ها، رواج یافت. این مفهوم به معنای «گذر آزاد رسانه‌های مکتوب و الکترونیکی از همه مرزها و در میان کشورها» است، که در اعلامیه حقوق بشر تحت عنوان «آزادی عقیده و بیان»، در اساسنامه یونسکو تحت عنوان «جریان آزاد ایده‌ها از طریق کلمه و تصویر»، در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل تحت عنوان «آزادی جست‌وجو، دریافت و انتشار اطلاعات و ایده‌ها از هر نوع، چه به صورت گفتاری، نوشتاری، چاپی، هنری و یا از طریق هر رسانه دیگری، بدون در نظر گرفتن محدودیت‌های مرزی» و در بیانیه اصول راهنمای یونسکو (۱۹۷۲) در مورد پخش ماهواره‌ای، تحت عنوان «گسترش آموزش و تبادل فرهنگی» یاد می‌شود (Boyd Barrett, 2009).

اعتراض‌ها و انتقادهای کشورهای جهان سوم، رویکردهای جدیدی را در این زمینه اتخاذ کرد و طرح جدیدی را تحت عنوان «نظم نوین اطلاعات و ارتباطات^۱» در جهان، در دستور کار قرار داد که مبتنی بر خواست کشورهای مختلف جهان مبنی بر گردش عادلانه و متوازن اطلاعات با هدف بهره‌مندی و مشارکت همه کشورها و ملت‌ها در آن است. اما در عمل، کشورهای شمال، همچنان بر رویه‌های غیرقانونی و امپریالیستی خود با هدف تأثیرگذاری بر افکار عمومی جهانیان و دخالت در امور داخلی کشورها و بازنمایی وارونه واقعیت‌های آن کشورها، تا سرحد براندازی کشورهای غیرهمسو با آنها، از طریق زیرساخت‌های عظیم سخت‌افزاری و نرم‌افزاری نوپدید اطلاعاتی و ارتباطاتی، اصرار داشته و در این مسیر حرکت می‌کنند و این یعنی نقض آشکار قوانین و منشورهای بین‌المللی که اگرچه از یک سو بر آزادی گردش اطلاعات تأکید دارند، اما از سوی دیگر در صورت تعارض آن با منافع ملی کشورها، یا در صورت داشتن تبعات اخلاقی یا فرهنگی، حق دولت‌ها را در کنترل و محدود ساختن آن، به رسمیت شناخته‌اند.

در این میان به نظر می‌رسد با توجه به برنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی همچون یونسکو در این زمینه، برگزاری نشست‌های بین‌المللی گوناگون در طی دهه‌های گذشته و تلاش‌های توسعه‌ای کشورهای معترض به جریان یک‌سویه اطلاعات، در زمینه کاهش شکاف توسعه‌ای میان کشورهای شمال و جنوب، نه تنها این شکاف کم نشده، بلکه عمیق‌تر شده است. این پژوهش با هدف بازخوانی دکترین جریان آزاد اطلاعات از منظر دیالکتیک، ضمن مرور پیامدهای مثبت و منفی آن، به بررسی دیدگاه‌های موافقان و مخالفان به روشی مقایسه‌ای، می‌پردازد تا به این سؤالات پاسخ دهد: موافقان و مخالفان جریان آزاد اطلاعات بر چه استدلال‌هایی تأکید دارند؟ مستندات و پشتوانه‌های حقوقی هر یک کدام است؟ برآیند کلی این تعارض‌ها و توافق‌ها چه پیامدهایی برای جامعه جهانی داشته و دارد؟

روش‌شناسی

روش این پژوهش، کیفی و مبتنی بر پارادایم تفسیری است. شیوه گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و شیوه تجزیه و تحلیل آنها، توصیفی-تحلیلی است. در روش پژوهش کیفی و تفسیری، پژوهشگر، به دنبال کشف قوانین

چالش‌های گردش آزاد اطلاعات

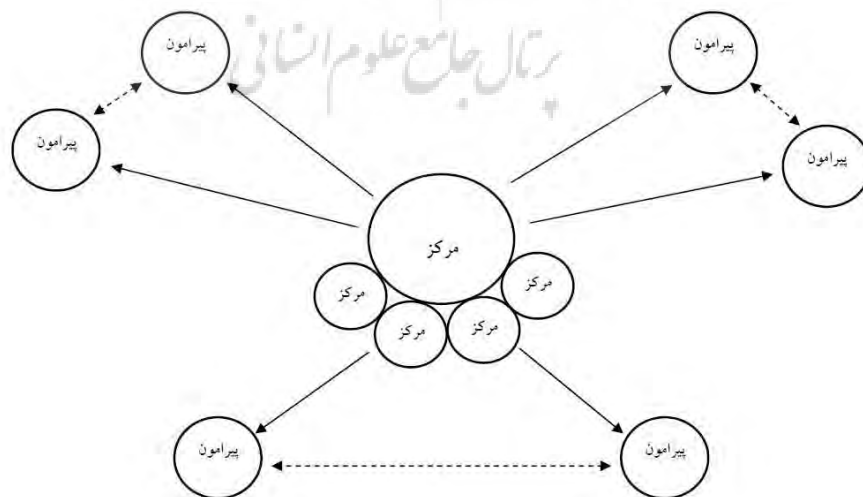
در پی افزایش انتقاد کشورها و محققان به جریان آزاد اطلاعات که آن را جریان یک‌سویه و جاده‌ای یک‌طرفه قلمداد می‌کردند، زمینه بروز و ظهور تحقیقات و پژوهش‌های علمی فراهم شد. گروهی از این تحقیقات منجر به شناسایی و ارائه الگوهای گردش اخبار و اطلاعات در جهان شد. الگوهای «شمال-جنوب»، «مرکز-پیرامون» و «مثلثی» از جمله الگوهای بودند که ساختار گردش اخبار و اطلاعات در جهان را از دوران جنگ سرد به بعد ترسیم می‌نمودند.

«یوهان گالتونگ»^{۱۱} اندیشمند نروژی در معرفی الگوی مرکز-پیرامون، شبکه‌های بین‌المللی ارتباطی را به شبکه‌های فئودالی تشبیه می‌کند و فرایند گردش اخبار و اطلاعات در جهان توسط این شبکه‌ها را که در «شکل ۱» رسم شده، دارای چهار ویژگی می‌داند که عبارت‌اند از:

۱. رویدادهای خبری مربوط به مرکز یا شمال در مقایسه با رویدادهای مربوط به پیرامون یا جنوب، از ثقل بیشتری در مطبوعات جهان برخوردارند.
۲. حجم تبادل خبر میان مرکز - پیرامون و شمال - جنوب با حجم تبادل خبر میان ملل مرکز، تفاوت چشمگیر دارد.
۳. خبرهای ملل مرکز یا شمال سهم عمده‌ای از رویدادهای خارجی را در رسانه‌های پیرامون یا جنوب به خود اختصاص می‌دهند، درحالی‌که خبرهای پیرامون یا جنوب در رسانه‌های مرکز یا شمال سهم کمتری دارند.

این نظریه در نخستین کنفرانس بین‌المللی آزادی اطلاعات که در سال ۱۹۴۸ در ژنو برگزار شد و از آن به عنوان نقطه عطفی در اقدامات بین‌المللی برای تأمین آزادی مطبوعات و جریان آزاد اطلاعات یاد می‌شود، در قالب یک طرح آمریکایی درباره دسترسی آزاد به اخبار و مبادله اخبار بین کشورها به تصویب رسید که مبنای اولیه آن، جریان آزاد اطلاعات را شکل داد و منجر به درج ماده ۱۹ مربوط به آزادی اطلاعات در اعلامیه جهانی حقوق بشر شد و در پی آن نیز عهدنامه و اعلامیه جهانی آزادی اطلاعات که در کنفرانس ژنو تهیه شده بود در ۱۶ دسامبر ۱۹۵۲ از سوی مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید (معمدنژاد، ۱۳۸۹: ۹۲-۹۱).

دکترین جریان آزاد اطلاعات به عنوان بخشی از گفتمان لیبرال همزمان اهداف سیاسی و اقتصادی را دنبال می‌کرد، و مهم‌ترین کارکردهای آن ترویج دموکراسی، آزادی بیان و بازار آزاد بود و از این رو غربی‌ها، در حمایت از حقوق صاحبان رسانه برای فروش تولیداتشان، مرزی قائل نبودند و با تکیه بر اصول دموکراسی و آزادی بیان، بر نقش رسانه‌ها به عنوان «ناظر عمومی» تأکید داشتند (Naveed, 2020). اما با آغاز جنگ سرد، رویارویی‌های نخستین میان ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی در این زمینه آغاز شد و پس از مدتی کشورهای جهان سوم نیز با درک گستره شکاف توسعه اقتصادی و فناوری میان خود و کشورهای غربی به جمع منتقدان این جریان پیوستند.



شکل ۱. مدل مرکز-پیرامون یوهان گالتونگ (شکرخواه، ۱۳۸۸: ۶۶)

کنند، همچنین بتوانند استفاده ثانویه از داده‌های شخصی خود را محدود سازند.

— مالکیت معنوی: محققان بر این باورند که اصول قانون مالکیت معنوی، باید اهداف فلسفی و بنیادین آن را که ترویج و انتشار دانش و خلاقیت در سطح جامعه است، حفظ کند. آنان معتقدند که قوانین مالکیت معنوی باید منجر به تعادلی میان منفعت عمومی و سود شخصی شود.

— آزادی بیان: این مسئله، فقط به حق آزادی اظهار نظر افراد بدون محدودیت، اشاره ندارد؛ بلکه مفاهیم بیشتری را در بر می‌گیرد و تأکید دارد که اصول و قوانین وضع شده در زمینه آزادی بیان، باید دربرگیرنده حق دستیابی ارزان، غیرتبعیض‌آمیز و جهان‌شمول افراد به سیستم‌های ارتباطی، منابع و محتواها باشد. همچنین این اصول باید تابع اصول مربوط به حق آزادی بیان در برنامه ابتکاری نظم نوین ارتباطات جهانی یونسکو باشد و حامی تکثر منابع اطلاعاتی، آزادی و مسئولیت‌پذیری کارکنان بخش‌های ارتباطی و رعایت حقوق تمام شهروندان باشد (سعیدی، ۱۳۹۰: ۵۱).

چالش‌های مطرح دیگر در زمینه جریان آزاد اطلاعات، با مسئله گسترش اینترنت از اوایل دهه ۱۹۶۰ و رشد انفجاری استفاده از تلفن‌های همراه از دهه ۱۹۸۰ و توسعه شبکه‌های اجتماعی، ارتباط معناداری دارد. جهان با ورود به هزاره سوم میلادی، دستخوش تحولات شگرفی شد و بسیاری از الگوهای ارتباطی، تحت تأثیر پارادایم پسانوگرایی تغییر یافت و سبب ظهور مفهوم ارتباطات پست‌مدرن شد. این مفهوم، برای توصیف قالب ارتباطی و پیام‌رسانی، سبک‌ها، راهنماها، فناوری‌ها و رسانه‌های مورد استفاده، به دلیل غیر سنتی بودن آن در دنیای پست‌مدرنیستی استفاده می‌شود که از آن تحت عنوان «جامعه اطلاعاتی»^{۱۷} نیز یاد می‌شود (Braman, 2003: 109-123). در این میان، افرادی که قادر به مشارکت در این شکل از جامعه هستند، کاربران رایانه یا «شهروندان دیجیتال»^{۱۸} نامیده می‌شوند و به عنوان کسانی که به طور منظم و مؤثر از اینترنت استفاده می‌کنند، تعریف می‌شوند (Beniger, 1986).

با افزایش سرعت تحولات و نوآوری‌ها در فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و توسعه زیرساخت‌های ارتباطات شبکه‌ای همچون اینترنت، برخی از اندیشمندان، صحبت از مفهوم و نظریه جدیدی تحت عنوان «جامعه شبکه‌ای»^{۱۹}

۴. جریان خبر در میان ملل پیرامون یا جنوب ناچیز است و یا اصلاً وجود ندارد (شکرخواه، ۱۳۸۸: ۶۶).

این تحقیقات همچنین منجر به ارائه نظریه «امپریالیسم فرهنگی»^{۱۲} شد که توسط یوهان گالتونگ و «امانول والرشتاین»^{۱۳} در سال ۱۹۶۹ میلادی در کنفرانس غیر متعهدها در هاوانا، پایتخت کوبا، مطرح شد. این نظریه بیان می‌دارد که ابرقدرت‌های غربی مانند آمریکا با استفاده از قدرت سیاسی و اقتصادی خود، ارزش‌ها، سبک زندگی و عادت‌های فرهنگی و اجتماعی خود را با استفاده از ابزار ارتباطات و رسانه‌ها، در کشورهای دیگر ترویج می‌کنند و به این ترتیب کشورهای دیگر، به ویژه کشورهای کمتر توسعه یافته را به استعمار فرهنگی خود درمی‌آورند (همدانی، ۱۳۹۳). در این میان، تولیدات رسانه‌ای آمریکایی در راستای همه‌گیری فرهنگ آمریکایی در جهان، در دهه‌های گذشته چنان گسترش یافته‌اند که محصولات فرهنگی این کشور، پس از فناوری‌های هواپیمایی، جایگاه دوم صادرات محصولات به جهان را دارند (معمدنیژاد، ۱۳۸۸: ۶۵).

همچنین، محققان بر این باورند که دکتترین جریان آزاد اطلاعات سبب بروز چالش‌ها در دو سطح ملی و بین‌المللی شده و پیامدهایی منفی برای کشورها و جامعه جهانی به همراه داشته است. سه حوزه «حریم خصوصی»^{۱۴}، «مالکیت معنوی»^{۱۵} و «آزادی بیان»^{۱۶} از جمله این چالش‌ها به شمار می‌روند (روشندل ارتباطی، ۱۳۹۶) به همین دلیل محققان تأکید دارند که کشورها و جامعه جهانی در تصمیم‌گیری‌های کلان خود در زمینه گسترش ارتباطات و مسئله آزادی گردش اطلاعات باید به گونه‌ای عمل کنند که حوزه‌های حریم خصوصی، مالکیت معنوی و آزادی بیان از هرگونه آسیب مصون بمانند. در ادامه به مسائل مربوط به این حوزه‌ها می‌پردازیم.

— حریم خصوصی: دسترسی سازمان‌ها و شرکت‌های بزرگ فناوری، به اطلاعات و محتواهای خصوصی شهروندان، سبب شده که محققان آن را ناقض حریم خصوصی افراد قلمداد کنند. لذا انتظار می‌رود که سیاست‌گذاری‌های ارتباطی جهانی به گونه‌ای باشد که افراد حق کنترل داده‌های خود را داشته باشند، اطلاعات مربوط به آنها به گونه‌ای منصفانه و قانونی جمع‌آوری شود، امکان پردازش و تبادل اطلاعات را داشته باشند، بتوانند به اطلاعات مربوط به خود دسترسی یابند و در صورت نادرست بودن، آنها را اصلاح

سبب بروز مسئله شکاف دیجیتال شده، بلکه سبب بروز چالش دیگری تحت عنوان «شکاف دانش^{۲۷}»، شکاف دانایی و یا شکاف آگاهی، شده است. این مفهوم، دانش و آگاهی را به مثابه شکلی از ثروت قلمداد می‌کند که در یک ساختار اجتماعی به طور متفاوت توزیع می‌شود. این نظریه بیان می‌کند که با افزایش تزریق اطلاعات توسط رسانه‌های جمعی به یک ساختار اجتماعی، بخش‌هایی از جامعه که از موقعیت اجتماعی و اقتصادی بالاتری برخوردارند، تمایل دارند که با سرعت بیشتری نسبت به بخش‌های دیگر جامعه که از موقعیت اجتماعی و اقتصادی پایین‌تری برخوردارند، به این اطلاعات دسترسی پیدا کنند؛ بدین ترتیب شکاف میان بخش‌های فرادست و فرودست جامعه از لحاظ اقتصادی و اجتماعی نه تنها کاهش نمی‌یابد، بلکه تمایل به بیشتر شدن دارد (Tichenor and Other, 1970).

از سوی دیگر فراوانی اطلاعات در دسترس در اثر تولید و انتشار حجم عظیم اطلاعات، پیامدهای دیگری را برای افراد و جوامع به همراه داشته است. «اریک اشمیت^{۲۸}» مدیرعامل گوگل در کنفرانس «تکونومی»^{۲۹} که در آگوست سال ۲۰۱۱ در کالیفرنیا برگزار شد، اعلام کرد که هم‌اکنون، مقدار اطلاعات و داده تولید شده در طی دو روز، برابر با کل اطلاعات و داده‌هایی است که از طلوع تمدن تا سال ۲۰۰۳ تولید شده و این عدد برابر با ۵ «آگزابایت»^{۳۰} است (Techcrunch, 2011).

پایگاه آلمانی آماری جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل کلان داده‌ها (استاتیستا) با ارائه گزارشی در ۱۶ نوامبر ۲۰۲۳، درباره میزان و حجم داده و اطلاعات تولید شده، ضبط شده، کپی شده و مصرف شده در جهان از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰، اعلام کرد که حجم تولید شده و تبادل شده اطلاعات در سال ۲۰۲۰ به ۶۴/۲ «زتابایت»^{۳۱} رسیده است (Taylor, 2023).

در این میان، حجم انبوه تولید و انتشار داده و اطلاعات سبب رونق توسعه «پایگاه‌های داده»^{۳۲}، شده است. از آن‌رو که داده‌های انبوه که امروزه از آنها به عنوان «بیگ دیتا»^{۳۳} یا کلان داده‌ها یاد می‌شود، در این مراکز داده، پردازش و پالایش شده و مورد بهره‌برداری‌های ثانویه اقتصادی، سیاسی و... قرار می‌گیرد که به آن «داده‌کاوی»^{۳۴} اطلاق می‌شود. پایگاه آماری «استاتیستا» در گزارش دیگری اعلام کرد، درآمد بازار جهانی تجزیه و تحلیل کلان داده در سال ۲۰۱۹، حدود ۱۵ میلیارد دلار بود و از آنجایی که بازار به نرخ رشد مرکب سالانه

«به میان آوردند. «جان ون دایک»^{۲۰} در مقایسه میان جوامع صنعتی و پسا صنعتی، جامعه شبکه‌ای را به عنوان یک جامعه مدرن (پسا صنعتی) معرفی می‌کند که با استفاده از زیرساخت شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ای، جامعه را در سطوح مختلف فردی، گروهی، سازمانی و اجتماعی، سازمان‌دهی می‌کند. او جوامع غربی را نمونه جامعه شبکه‌ای معرفی می‌کند که افراد در آنجا از طریق شبکه‌ها به هم متصل‌اند در حالی که جوامع شرقی دارای به هم پیوستگی سنتی در قالب خانواده، گروه کاری و اجتماعی هستند (Van Dijk, 2020: 22).

«مانوئل کاستلز^{۲۱}» نیز در جلد نخست سه‌گانه خود با عنوان «ظهور جامعه شبکه‌ای»^{۲۲} تغییرات ساختاری را که از دهه ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ در اقتصاد جهانی رخ داد، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد. او از «اقتصاد اطلاعاتی»^{۲۳} جدید، سخن به میان می‌آورد و معتقد است که رقابت‌پذیری یک شرکت، به سطح دانش، فناوری و دسترسی آن به اطلاعات و شبکه‌ها بستگی دارد. این مفهوم حاکی از آن است که در کشورهایی که فناوری کمیاب است، نرخ بیکاری بالاتری وجود خواهد داشت. او تأکید دارد که توسعه نابرابر فناوری‌های نوین، منجر به «قطب‌بندی اجتماعی و طرد اجتماعی» می‌شود (Castells, 2010: 162).

در این میان، نابرابری‌های زیرساختی جهانی در حوزه فناوری با خود مسائلی همچون «شکاف دیجیتال»^{۲۴} را در پی داشته که منظور از آن دسترسی مؤثر افراد و جوامع به فناوری‌های دیجیتالی و فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی از جمله اینترنت است که امروزه به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه کشورها در ارزیابی‌های جهانی، مورد استناد، قرار می‌گیرد. «اتحادیه بین‌المللی مخابرات»^{۲۵} (ITU) یا ارتباطات راه دور وابسته به سازمان ملل، در گزارش آماری ۲۰۲۳ خود در زمینه توسعه دیجیتال در جهان، با عنوان «اندازه‌گیری توسعه دیجیتال - آمار و ارقام»^{۲۶} ۲۰۲۳ «خبر از شکاف ۶۶ درصد دیجیتال میان کشورهای پردرآمد و کشورهای کم‌درآمد، داد (ITU, 2023) که این آمار، با وجود تلاش‌های فزاینده جهانی در جهت توسعه زیرساخت‌های فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، همچنان عدد بالایی به نظر می‌رسد و حکایت از شکاف پهناوری، میان کشورهای پردرآمد و کم‌درآمد دارد. این نابرابری‌های اطلاعاتی و ارتباطی جهانی، نه تنها

نام «داده مه‌آلود»^{۴۷} می‌شود، چراکه در شرایط افزایش تولید و انتشار انبوه داده و اطلاعات، مرز میان داده یا اطلاعات ارزشمند و داده یا اطلاعات منحرف‌کننده حواس، مه‌آلود شده و رو به محو شدن می‌گذارد.

مفهوم اضافه‌بار اطلاعاتی، بیشتر، ناظر به وجود انبوه اطلاعات است درحالی‌که مفهوم «زیر بار اطلاعات»^{۴۸} یا کم‌باری اطلاعات، بر عدم وجود اطلاعات سودمند، تأکید دارد. مجله «فوربس»^{۴۹} در مقاله‌ای با عنوان «به عصر زیر بار اطلاعات خوش آمدید»^{۵۰} نوشت، خیلی آسان است، بگوییم اضافه‌بار اطلاعاتی داریم. ما به توییتر، فیس‌بوک، یوتیوب، حتی ایمیل به عنوان مدرکی مطلق، مبنی بر اینکه ما غرق در اطلاعات هستیم، اشاره می‌کنیم. اما حقیقت این است که آنچه ما غرق در آن هستیم داده‌های خام، دسته‌بندی نشده، موج کوتاهی از حقایق، پیوندها، یا تفسیرها است. ما هر روز صبح با مجموعه‌ای از فیدهای خبری، درخواست‌های ملاقات، قرارهای ملاقات با پزشک و مدرسه، و کلیپ‌های خنده‌دار از دیلی شوی شب گذشته، از خواب بیدار می‌شویم. این اطلاعات به سرعت به سراغ ما می‌آید، بدون اینکه راهی برای ارزیابی یا تأیید آن داشته باشیم. همه ما، با اضافه‌بار داده‌ها و کم‌بار بودن اطلاعات مواجه هستیم. اطلاعات سودمند و واقعی که ما تشنه آن هستیم، متنی، معتبر، مفید، و نظارتی هستند، و شاید مهم‌تر از همه، سازمان‌دهی شده‌اند؛ به گونه‌ای که به ما امکان می‌دهند، روی یک مقوله، به روشی عمیق و متفکرانه تمرکز کنیم. چیزی که ما تشنه آن هستیم، توانایی در دست گرفتن کنترل زندگی دیجیتال خود و ایجاد یک طبقه‌بندی واضح از حوزه‌هایی است که برای ما مهم هستند و به ما امکان می‌دهد، برای مواجهه با ایده‌ها، مسائل و اطلاعات به روشی عمیق و متفکرانه، به یک طبقه‌بندی از زمان دست یابیم (Rosenbaum, 2013).

از دیگر چالش‌های مطرح در زمینه جریان آزاد اطلاعات، ظهور مفاهیمی چون «اطلاعات جعلی»^{۵۱} یا «اطلاعات نادرست»^{۵۲} است که در پی افزایش استفاده از فناوری‌های نوپدید اطلاعاتی و ارتباطی به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی، بروز یافته‌اند، چراکه مسئله آنلاین بودن به امری مهم در زندگی روزمره افراد، تبدیل شده، به گونه‌ای که در تولید، انتشار و انتقال داده و اطلاعات از طریق شبکه‌های اجتماعی، مشارکتی فعال دارند. اطلاعات جعلی یا «اخبار

تقریباً ۳۰ درصد دست یافته، تخمین زده می‌شود که درآمد این بازار تا سال ۲۰۲۵ به بیش از ۶۸ میلیارد دلار برسد (Taylor, 2022).

پایگاه آماری و داده‌پردازی بصری کانادایی (ویژوال کاپیتالست)^{۳۵} نیز در تاریخ ۵ اکتبر ۲۰۲۳ در گزارشی اعلام کرد که هم‌اکنون ۵۰۶۵ مرکز داده در سراسر جهان وجود دارد. این گزارش با استناد به آمار شرکت «اینترنشنال دیتا کروپوریشن»^{۳۶} می‌افزاید که سرمایه‌گذاری در زمینه توسعه مراکز داده در سال ۲۰۲۳ نسبت به سال ۲۰۲۲ با ۱۳/۱ درصد رشد، به عدد ۲۰۸ میلیارد دلار رسیده و این امر، پرده از اهمیت و نقش برجسته مراکز داده در حوزه توسعه روزافزون فناوری‌های نوپدید اطلاعاتی و ارتباطی برمی‌دارد. این گزارش همچنین پیش‌بینی می‌کند که تا سال ۲۰۲۶ میزان تولید سالانه داده و اطلاعات در جهان به ۲۲۱ «زتابایت»^{۳۷} با نرخ رشد مرکب سالانه ۲۱/۲ درصد برسد (Alexander, 2023).

از دیگر چالش‌های دکترین جریان آزادی اطلاعات، مسئله تولید، انتشار و تبادل حجم عظیم داده‌ها و اطلاعات به طور روزانه و حتی لحظه‌ای است که جوامع، شیوه ارتباط و سبک زندگی افراد را به شکل کاملاً متفاوتی از گذشته، تغییر داده که پیش‌تر تحت عنوان جامعه اطلاعاتی و جامعه شبکه‌ای از آن یاد نمودیم. برخی از اندیشمندان این حجم عظیم تولید و انتشار اطلاعات و داده را «انفجار اطلاعات»^{۳۸} یا «سیل اطلاعات»^{۳۹} نامیده‌اند، که سبب بروز وضعیت «اضافه‌بار اطلاعاتی»^{۴۰} می‌شود. تعاریف نخستین اضافه‌بار اطلاعاتی در کتاب «مدیریت سازمان‌ها»^{۴۱} «برترام گراس»^{۴۲} (۱۹۶۴) و «شوگ آینه»^{۴۳} «الوین تافلر»^{۴۴} (۱۹۷۰) بیشتر ناظر بر اختلال در عملکرد تصمیم‌گیری فرد در مواجهه با حجم انبوه اطلاعات بود؛ اما «پیتر گوردن روتزل»^{۴۵} در مقاله «اضافه‌بار اطلاعات در عصر اطلاعات»^{۴۶} (۲۰۱۹) بر نقش زمان و منابع نیز تأکید کرد. وی بیان می‌کند هنگامی که حجم انبوهی از اطلاعات دارای پیچیدگی، فراوانی و تناقض به یک تصمیم‌گیرنده داده می‌شود، کیفیت تصمیم‌گیری وی به دلیل محدودیتش در دسترسی به منابع کمیابی که برای پردازش آن حجم از اطلاعات، برای اتخاذ بهترین تصمیم، به آنها نیاز دارد، کاهش می‌یابد (Roetzl, 2019). از سوی دیگر، اضافه‌بار اطلاعاتی منجر به شکل‌گیری مسئله و وضعیت دیگری با

که افراد حق انتشار و استفاده از اطلاعات را دارند و از سوی دیگر اطلاعات افراد، محرمانه تلقی می‌شود و دولت وظیفه حفظ آنها را بر عهده دارد. از منظر دیالکتیک مارکسی نیز اگرچه به ظاهر ممکن است حریم خصوصی و آزادی‌های فردی با کنترل و نظارت اجتماعی متعارض به نظر آیند اما هنگامی که در یک مجموعه واحد قرار می‌گیرند، در یک فرایند رویارویی «برنهاد» [تز] با «برابرنهاد» [آنتی تز] منتهی به نظم و سازگاری «به هم نهاد» [سنتر] می‌شوند. این گونه در یک تعامل دوسویه، ارتباط و حقوق متقابل شهروندان و حاکمیت به تعادل می‌رسند (مسعودی، ۱۴۰۰).

در چنین شرایطی، نقش شهروندان نیز در مواجهه با جریان آزاد اطلاعات در مفاهیمی همچون «سواد رسانه‌ای»^{۶۰} و «سواد اطلاعاتی»^{۶۱} برجسته می‌شود. یونسکو سواد اطلاعاتی و رسانه‌ای را مجموعه‌ای از شایستگی‌های مرتبط با یکدیگر معرفی می‌کند که به افراد کمک می‌کند تا مزایای استفاده از اطلاعات و رسانه‌ها را به حداکثر برساند و آسیب‌ها را در چشم‌اندازهای نوین اطلاعاتی و ارتباطی و دیجیتالی شدن، به حداقل برساند. واکنش به اطلاعات درست و نادرست مستلزم برخورداری از سواد اطلاعاتی و سواد رسانه‌ای است که در توانمندی فرد در شناخت اطلاعات، رسانه‌ها و داشتن شایستگی‌های دیجیتالی خلاصه می‌شود. یونسکو در آخرین به‌روزرسانی و ویرایش دوم، برنامه درسی سواد اطلاعاتی و رسانه‌ای بر اساس الگوی یونسکو برای مربیان و یادگیرندگان، شعار «انتقادی بیندیشید و عاقلانه کلیک کنید» را انتخاب نموده است (UNESCO, 2023).

فرصت‌های گردش آزاد اطلاعات

گزارش یک جهان چندین صدا، با تأکید بر جریان تبادل اخبار و اطلاعات به عنوان یک فعالیت فردی و جمعی که گونه‌های مختلف انتقال و اشتراک ایده‌ها، حقایق و داده‌ها را در بر می‌گیرد، کارکردهای ارتباطات و فرصت‌های پیش روی آن را چنین برمی‌شمارد:

— جنبه اطلاعاتی: جمع‌آوری، ذخیره‌سازی، پردازش و انتشار اخبار، داده‌ها، تصاویر، حقایق و پیام‌ها، نظرات و دیدگاه‌های مورد نیاز، می‌تواند به درک و واکنش آگاهانه به شرایط شخصی، محیطی، ملی و بین‌المللی و همچنین قرار گرفتن در موقعیت مناسب برای اتخاذ تصمیمات منجر شود.

جعلی^{۵۳}»، به داده‌ها و اطلاعات غیر واقعی، ساختگی و یا تحریف‌شده‌ای اطلاق می‌شود که آگاهانه و هدفمند توسط افراد یا رسانه‌ها منتشر می‌شوند. سوگیری، تخریب، تحریف و دشمنی از مهم‌ترین انگیزه‌های انتشار چنین محتواهایی به شمار می‌روند. اما اطلاعات نادرست یا «غلط‌رسانی» می‌تواند ناشی از اشتباه فردی یا رسانه‌ای باشد و الزاماً با انگیزه‌های سوء همراه نباشد. در این میان استفاده از روش‌ها و تکنیک‌های مختلف به‌ویژه الگوریتم‌های شبکه‌های اجتماعی می‌تواند در سوگیری اطلاعاتی، محتوایی و «ترند»^{۵۴} کردن اخبار و اطلاعات جعلی یا نادرست، تأثیر به‌سزایی داشته باشد، که نمونه بارز آن نقش شبکه‌های اجتماعی در شکل‌گیری خیزش‌های سال ۲۰۱۱ در شمال آفریقا موسوم به «بهار عربی» و شکل‌گیری نافرمانی‌های مدنی و تروریستی سال ۱۴۰۱ در ایران است. در این میان با وجود درخواست رسمی جمهوری اسلامی از این شبکه‌ها و شرکت‌های متبوعشان همچون «متا»^{۵۵} مبنی بر معرفی نماینده رسمی در ایران و همکاری با دولت در زمینه کنترل پیام‌های جعلی، نفرت‌پراکنانه و آموزش‌های تروریستی، این شرکت‌ها نه تنها هیچ پاسخی به این درخواست‌های رسمی ندادند بلکه عملاً قوانین و منشورهای بین‌المللی انتشار آزاد اطلاعات را که بر حفظ حریم امنیت ملی کشورها و عدم مداخله خارجی در امور داخلی آنها تأکید دارند، زیر پا نهادند، و نقش حاکمیتی دولت را در نظارت و کنترل جریان اطلاعات به منظور حفظ امنیت ملی، نادیده گرفتند.

در همین راستا، برخی صاحب‌نظران با تمایز قائل شدن میان «سانسور»، «کنترل» و «نظارت» برآیند حاصل از نظارت حاکمیتی بر اطلاعات را در تعارض با منافع شهروندی و حفظ حریم خصوصی قلمداد نمی‌کنند، بلکه آن را به عنوان وظیفه‌ای بر عهده دولت می‌بینند که به وسیله آن حقوق شهروندان را به نمایندگی آنها حفظ و تأمین می‌نماید. نظریه «نظم خودجوش»^{۵۶} «فریدریش فون هایک»^{۵۷} و نظریه «ناصر»^{۵۸} «رابرت رایت»^{۵۹} از جمله نظریات مورد استناد برخی از پژوهشگران در این زمینه به شمار می‌روند. از منظر نظم خودجوش هایک، نظارت حاکمیتی و حریم خصوصی افراد در یک فرایند طبیعی شکل می‌گیرد و سبب بی‌نظمی و تضییع حقوق شهروندان نمی‌شود. همچنین بر اساس نظریه ناصر رایت، حفظ حریم خصوصی افراد با نظارت حاکمیتی بر آن، در یک رابطه برد - برد قرار دارد از این جهت

احساس را در شهروندان به وجود می‌آورد که جدی گرفته نمی‌شوند، نقشی در سرنوشت خود ندارند و از مشارکت دموکراتیک در فرایندهای سیاسی محروم مانده‌اند.

۲. تقویت مشارکت مدنی: میزان مشارکت مدنی شهروندان در فعالیتهای اجتماعی نیز دلیل روشنی بر اثربخشی این‌گونه فعالیت‌هاست. تنها هنگامی می‌توان بر بی‌توجهی ناشی از نارضایتی غلبه کرد که شهروندان، بنا بر دلایل مستحکم، باور کنند که حضور آنها در این عرصه جدی تلقی می‌شود و درون‌داد آنها بر سیاست‌ها و عملکردها تأثیرگذار است.

۳. افزایش کارآمدی: اگر امکانات فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در مدرن‌سازی شیوه‌های اجرایی، که از آن به عنوان «دولت الکترونیک»^{۶۴} یاد می‌شود، با تصویب و اجرای درست قوانین آزادی اطلاعات همراه شود، به میزان قابل توجهی بر کارآمدی نظام اداری کشورها خواهد افزود. این آمیزه، راهی آسان، و ارزان برای شفاف‌سازی عملکرد دولت‌هاست، و درعین‌حال سبب کاهش هزینه‌های اجرایی خواهد شد.

۴. پیشگیری از فساد: تأثیر قانون و سازوکارهای تأمین‌کننده آزادی اطلاعات و حق دسترسی بر پیشگیری از فساد اداری مورد پذیرش همگان است. در این زمینه می‌توان گفت وجود یک فرهنگ اجرایی شفاف در مقابله با فساد، به مراتب تواناتر است. در بسیاری کشورها، این امر نخستین دلیل تدوین قانون آزادی اطلاعات و تضمین حق دسترسی به اطلاعات بوده است.

۵. تقویت فرایندهای اداری اصلاح‌گرانه: افزایش میزان شفافیت دستگاه‌های دولتی، تقویت فرایندهای اصلاحی اداره امور کشور را به همراه خواهد داشت. تأثیر این امر در سه زمینه ایجاد انگیزه بر نوآوری، ایجاد انسجام اجتماعی و در نتیجه شکل‌گیری تحول فرهنگی قابل مشاهده است (ساروخانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۳۸-۳۳۷).

بررسی دیدگاه‌های موافقان و منتقدان جریان آزاد اطلاعات از منظر حقوقی

اصل حاکمیت ملی کشورها به عنوان یکی از اصول پذیرفته‌شده بین‌المللی، بر حق حاکمیت کشورها بر قلمرو زمینی، دریایی و هوایی خود تأکید دارد، اما کشورهای غربی و توسعه‌یافته، معتقدند که رشد انسان، مستلزم

— جامعه‌پذیری: ارائه یک صندوق دانش مشترک می‌تواند باعث توانمندسازی افراد به عنوان اعضای مؤثر در جامعه، عمل کند و سبب تقویت انسجام و آگاهی اجتماعی و نیز فراهم نمودن مشارکت فعال در زندگی عمومی شود.

— انگیزش: ترویج اهداف فوری و نهایی هر جامعه، تحریک انتخاب‌ها و آرزوهای شخصی می‌تواند منجر به تقویت فعالیت‌های فردی یا اجتماعی، با هدف دستیابی به اهداف مورد توافق شود.

— مناظره و بحث: ارائه و تبادل حقایق مورد نیاز برای تسهیل توافق یا روشن کردن دیدگاه‌های مختلف در مورد مسائل عمومی می‌تواند منجر به ارائه شواهد مرتبط مورد نیاز برای تقویت ارتباطات و مشارکت بیشتر مردمی در همه موضوعات محلی، ملی و بین‌المللی مورد نگرانی مشترک شود.

— آموزش: انتقال دانش می‌تواند منجر به پرورش فکری، شکل‌گیری شخصیت و کسب مهارت‌ها و ظرفیت‌ها در تمام مراحل زندگی شود.

— ترویج فرهنگی: اشاعه محصولات فرهنگی و هنری به منظور حفظ میراث گذشته می‌تواند منجر به توسعه فرهنگ با وسعت بخشیدن به افق‌های فرد، بیدار کردن تخیل، برانگیختن نیازهای زیبایی‌شناختی و خلاقیت او شود.

— سرگرمی: انتشار از طریق علائم، نمادها، صداها و تصاویر، نمایش، رقص، هنر، ادبیات، موسیقی، کمدی، ورزش، بازی و غیره می‌تواند تفریح و لذت شخصی و جمعی را فراهم سازد.

— یکپارچگی: فراهم کردن دسترسی همه افراد، گروه‌ها و ملت‌ها به پیام‌های متنوع می‌تواند منجر به شناخت، درک و قدردانی از شرایط زندگی یکدیگر و شناخت دیدگاه‌ها و آرزوهای دیگران، شود (MacBride, 1980:11).

دکتر «باقر ساروخانی» و همکاران نیز، در کتاب «جامعه‌شناسی ارتباطات در جهان معاصر» (۱۳۹۷) با تأکید بر نسبت میان دموکراسی و دسترسی آزادانه به اطلاعات، به نقل از دو پژوهشگر آلمانی به نام‌های «توماس هارت»^{۶۲} و «کارولین وزل»^{۶۳} فواید آن را چنین برمی‌شمارند:

۱. شفافیت: قانون آزادی اطلاعات، با استقرار اصل انتشار علنی تمامی اطلاعات دولتی، فضای تفاهم، اعتماد و همکاری را میان شهروندان و دولت فراهم می‌کند. نبود شفافیت در رفتارهای دولت و اصرار بر پنهان‌کاری، این

۳. ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر: این ماده دارای دو بند است:

۳. ۱. هرکس از حق آزادی بیان برخوردار است. این حق باید شامل آزادی داشتن عقاید و دریافت و بیان اطلاعات و ایده‌ها بدون دخالت مقامات دولتی و بدون در نظر گرفتن مرزبندی‌های جغرافیایی باشد. این ماده، مانع تقاضای دولت‌ها از الزام برای دریافت مجوز به منظور انتشار اخبار یا فعالیت بنگاه‌های تلویزیونی و سینمایی نخواهد بود.

۳. ۲. اعمال این آزادی‌ها، از آنجاکه با خود وظایف و مسئولیت‌هایی را به همراه دارند، ممکن است نیازمند تشریفات، شرایط، محدودیت‌ها یا مجازات‌هایی باشند که توسط قانون مقرر شده و در یک جامعه مردم‌سالار به منظور حفظ منافع امنیت ملی، تمامیت ارضی یا ایمنی عمومی جهت ممانعت از ایجاد هرج و مرج یا ارتکاب جرایم، حفاظت از سلامتی و اخلاقیات مردم، حمایت از آبرو یا حقوق سایرین، جلوگیری از افشای اطلاعات محرمانه یا حفظ اقتدار و بی‌طرفی دستگاه قضاوت، لازم و ضروری هستند (European Court of Human Rights, 1950).

۴. ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر: این ماده دارای ۵ بند است:

۴. ۱. هر فرد، حق آزادی اندیشه و بیان دارد. این حق، شامل آزادی در جست‌وجو، دریافت و انتقال اطلاعات و ایده‌های مختلف، بدون در نظر گرفتن مرزها، به صورت شفاهی، کتبی، چاپی، هنری و یا هر روش دیگری که انتخاب می‌شود، می‌گردد.

۴. ۲. مقررات این کنوانسیون، ضمن منع هرگونه سانسور پیشاپیش، تأکید دارد که اعمال آزادی‌های مندرج در کنوانسیون، تابع محدودیت‌هایی است که به طور شفاف و روشن توسط قانون معین خواهد شد. این محدودیت‌ها باید به میزانی باشد که:

۴. ۲. ۱. احترام به حقوق و حیثیت دیگران را تأمین کند.
۴. ۲. ۲. امنیت ملی، نظم عمومی یا سلامت و اخلاق عمومی را حفظ نماید.

۴. ۳. حق بیان و اظهار عقیده نباید با روش‌ها و ابزارهایی نظیر سوءاستفاده از کنترل خصوصی یا دولتی بر نشریات خبری، فرکانس‌های رادیویی خبری یا تجهیزاتی که برای پخش و انتشار اطلاعات به کار گرفته می‌شوند و یا هر وسیله دیگری که محل ارتباطات یا گردش نظرات و عقاید

گسترش وسایل و تکنولوژی‌های ارتباطی مبتنی بر گردش آزاد اطلاعات‌اند و برای آن مرزی قائل نیستند. در ادامه به بررسی دیدگاه‌های مخالف و موافق این مسئله می‌پردازیم.

دیدگاه موافقان

موافقان دیدگاه گردش آزاد اطلاعات، کشورهای توسعه‌یافته غربی هستند که کسب مجوز برای ارسال یا انتشار محتوای رسانه‌ای بر بستر فناوری‌های نوین ارتباطی را، نافی اصل آزادی جریان اطلاعات، قلمداد می‌کنند.

موافقان جریان آزاد اطلاعات بر این باورند که جریان گردش آزاد اطلاعات یک حق است که باید برای تمام انسان‌ها محفوظ بماند. بر اساس مفاد قوانین بین‌المللی، کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، باید بدان پایبند بوده و آن را اجرا کنند. مهم‌ترین اصول و قوانینی که موافقان بدان استناد می‌کنند (بردبار، ۱۳۹۲)، عبارت‌اند از:

۱. ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر: این ماده که همواره به عنوان مهم‌ترین مستمسک قانونی طرفداران جریان آزاد اطلاعات مورد تأکید قرار گرفته، مقرر می‌دارد که: «هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد، در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.» (سازمان ملل متحد، بی‌تا)

۲. ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: بر اساس این ماده که دارای ۳ بند است:

۲. ۱. هیچ‌کس را نمی‌توان به دلیل عقایدش مورد مزاحمت و اخافه قرار داد.

۲. ۲. هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص، تحصیل، اشاعه انواع اطلاعات و افکار بدون توجه به سرحدات اعم از گفتاری، نوشتاری، چاپی، هنری یا هر شکل دیگر به انتخاب خود، است.

۲. ۳. اعمال حقوق مذکور در بند ۲ این ماده مستلزم حقوق و مسئولیت‌های خاص است؛ لذا ممکن است تابع محدودیت‌های معینی شود که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد:

۲. ۳. ۱. احترام به حقوق و حیثیت دیگران
۲. ۳. ۲. حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، سلامت و اخلاق عمومی (سازمان ملل متحد، بی‌تا)

می‌شوند، محدود شود.

۴.۴. با وجود مقررات ۲ بند فوق، سرگرمی‌های عمومی به منظور اینکه شیوه دسترسی به آنها برای محافظت اخلاقی از کودکان و نوجوانان و جوانان تنظیم گردد، پیشاپیش تابع سانسورند.

۴.۵. تبلیغات برای جنگ و هرگونه دفاع از نفرت ملی، نژادی یا مذهبی که سبب تحریک خشونت، بی‌قانونی و یا اقدامات مشابه دیگر در برابر اشخاص یا گروه‌ها در هر زمینه از جمله نژاد، رنگ، مذهب، زبان، یا منشأ ملی، باید به‌عنوان مجازات‌های قانونی مورد توجه قرار گیرد (Organization of American States, 1969).

۵. ماده ۹ منشور آفریقایی حقوق بشر: این ماده دارای دو بند است:

۵.۱. همه افراد از حق دستیابی به اطلاعات برخوردارند.
۵.۲. هر انسانی حق دارد به بیان و نشر اندیشه خود در چهارچوب قوانین و آیین‌نامه‌ها بپردازد (جامعه منیوستا، بی‌تا).

دیدگاه منتقدان

منتقدان جریان آزاد اطلاعات، ارسال محتوای رسانه‌ای توسط کشورهای مبدأ را مستلزم کسب مجوز از کشورهای مقصد می‌دانند این دیدگاه که بیشترین طرفداران آن کشورهای جهان سوم هستند، ناظر به نگرانی‌های این کشورها از مسئله تهاجم فرهنگی است که توسط کشورهای توسعه‌یافته نسبت به کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته اعمال می‌شود. این دیدگاه، نیز بر مستندات و دلایلی قابل قبول استوار است، به‌گونه‌ای که کشورهای طرفدار این دیدگاه معتقدند که جریان گردش آزاد اطلاعات بی‌حدومرز نیست و مؤلفه‌هایی نظیر منافع ملی و امنیت داخلی کشورها، اخلاق و نظم عمومی جامعه به‌عنوان مرزهای گردش آزاد اطلاعات به‌شمار می‌آیند. این دیدگاه، با استناد به موادی از قوانین بین‌المللی همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر کنوانسیون‌های حقوق بشر، بیان می‌دارد که باید برای فعالیت‌های مربوط به جریان آزاد اطلاعات، محدودیت‌هایی ایجاد شود. (بردبار، ۱۳۹۲). مستندات قانونی طرفداران این دیدگاه عبارت‌اند از:

۱. بند ۲ از ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر: این بند که مورد استناد منتقدان جریان آزاد اطلاعات است، با تأکید

بر حدود قانونی گردش آزاد اطلاعات و تعیین مرز برای این آزادی چنین بیان می‌دارد که: در تحقق آزادی و حقوق فردی، هر کس می‌بایست فقط تحت محدودیت‌هایی قرار بگیرد که به واسطه قانون، فقط با هدف امنیت در جهت بازشناسی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران وضع شده است، تا این‌گونه پیش‌شرط‌های عادلانه اخلاقی، نظم عمومی و رفاه همگانی در یک جامعه مردم‌سالار تأمین شود (سازمان ملل متحد، بی‌تا).

۲. بند ۳ از ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: این بند نیز با تأکید بر حفظ حقوق و حیثیت افراد و نیز ضرورت رعایت امنیت ملی، نظم و سلامت اخلاقی جامعه، مقرر می‌دارد که اعمال حقوق مذکور در بند ۲ این ماده مستلزم حقوق و مسئولیت‌های خاص است؛ لذا ممکن است تابع محدودیت‌های معینی بشود که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد:

۲.۱. احترام به حقوق و حیثیت دیگران
۲.۲. حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی (سازمان ملل متحد، بی‌تا)

۳. بند ۲ از ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر: این بند، آزادی موضوع ماده ۱۰ را تابع محدودیت‌های قانونی معرفی می‌کند و مقرر می‌دارد که: «از آنجاکه اعمال این آزادی‌ها، وظایف و مسئولیت‌هایی را به همراه دارند، ممکن است نیازمند تشریفات، شرایط، محدودیت‌ها یا مجازات‌هایی باشند که توسط قانون مقرر شده و در یک جامعه مردم‌سالار به منظور حفظ منافع امنیت ملی، تمامیت ارضی یا ایمنی عمومی جهت ممانعت از ایجاد هرج‌ومرج یا ارتکاب جرایم، حفاظت از سلامتی و اخلاقیات مردم، حمایت از آبرویا حقوق سایرین، جلوگیری از افشای اطلاعات محرمانه یا حفظ اقتدار و بی‌طرفی دستگاه قضاوت لازم و ضروری هستند» (European Court of Human Rights, 1950).

۴. بند ۴ و ۵ از ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر: بند ۴ این ماده ضمن تأکید بر بندهای ۱ و ۲ و ۳ ماده ۱۳ خواستار اعمال محدودیت‌هایی درباره کودکان و نوجوانان است و تصریح می‌دارد که: سرگرمی‌های عمومی پیشاپیش تابع سانسورند، تا شیوه دسترسی به آنها برای محافظت اخلاقی از کودکان و نوجوانان تنظیم گردد. همچنین بند ۵ این ماده تصریح دارد که: تبلیغات برای جنگ و هرگونه دفاع از نفرت ملی، نژادی یا مذهبی که سبب تحریک خشونت بی‌قانونی

و ارتباطی نوین، به سوی جامعه‌ای سوق داده شده‌اند که اغلب فعالیت‌های آنها بر همین بستر ارتباطی شکل می‌گیرد و نمی‌توانند نسبت به آنها بی‌نیاز باشند. در نتیجه فرهنگ و سبک زندگی جدیدی در عرصه ارتباطات بر افراد و جوامع تحمیل شده، که اندیشمندانی همچون «مارشال مک لوهان»^{۶۵} از آن تحت عنوان «جبرگرایی تکنولوژیک»^{۶۶} یاد کرده‌اند. در این میان، گسترش ارتباطات نوین، جریان آزاد اطلاعات و جامعه اطلاعاتی با تمام آثار سودمندی که به همراه داشته‌اند و به تعبیر مک لوهان، بهشت زمینی‌ای که برای انسان فراهم کرده‌اند، اما سبب بروز بحران‌ها و مشکلات بزرگی نیز، شده‌اند.

واقعیت این است که با وجود گردش این حجم عظیم اطلاعات و دسترسی افراد به آن، کیفیت زندگی بشر ارتقا نیافته و بحران‌های جامعه جهانی، کاهش نیافته است. «نیل پستمن»^{۶۷} بر این باور بود که وجود داده و اطلاعات در جامعه به معنای وجود دانش و فضیلت نیست؛ چراکه وجود مسائلی همچون جنگ، فقر، تروریسم و دیگر مشکلات دنیای امروز به دلیل فقدان اطلاعات یا داده نیست؛ بلکه به دلیل فقدان دانش، خرد و فرزاندگی است؛ از این رو پستمن بر مدعای مک لوهان که می‌گفت دهکده جهانی به دنبال از بین بردن فرهنگ‌ها، مذاهب و قومیت‌هاست، صحه می‌گذارد.

دیدگاه‌ها و نظریه‌های انتقادی همچون مدل‌های شمال-جنوب و مرکز-پیرامون در زمینه گردش اخبار و اطلاعات در جهان، به خوبی نشان می‌دهد که جامعه اطلاعاتی جهانی به دو قسمت تقسیم شده است. یک گروه کشورهای شمال یا مرکز قرار دارند که همان کشورهای توسعه‌یافته غربی به‌ویژه آمریکا است که شاهراه‌های اصلی اطلاعاتی و ارتباطی جهان در اختیار آنها قرار دارد و حجم وسیعی از اطلاعات مورد نیاز جهان را تولید و منتشر می‌کنند، در طرف دیگر کشورهای جنوب یا پیرامون قرار دارند که همان کشورهای در حال توسعه یا کمتر توسعه‌یافته‌اند، در این میان فراگرد ارتباطی کشورهای شمال با جنوب به عنوان یک الگوی مسلط، بدین گونه است که اطلاعات از کشورهای جنوب همچون ماده خام نفت به کشورهای شمال و مرکز انتقال می‌یابد و پس از پردازش و فرآوری دوباره به خورد کشورهای جنوب و پیرامون داده می‌شود. در واقع این رسانه‌های کشورهای شمال هستند که تصویر بازنمایی

و یا اقدامات مشابه دیگر در برابر هر شخص یا گروهی از افراد در هر زمینه از جمله نژاد، رنگ، مذهب، زبان، یا منشأ ملی باید به عنوان مجازات‌های قانونی مورد توجه قرار گیرد (Organization of American States, 1969).

۵. بند ۲ از ماده ۹ کنوانسیون آفریقایی حقوق بشر: این بند با تأکید بر ضرورت رعایت چهارچوب‌های قانونی مقرر می‌دارد که:

هر انسانی حق دارد، به بیان و نشر اندیشه خود را در چهارچوب قوانین و آیین‌نامه‌ها پردازد (جامعه منیوستا، بی‌تا).

در واقع طرفداران این دیدگاه با تأکید بر اما و اگرهای مواد قانونی، گردش آزاد اطلاعات را یک حق می‌دانند اما شرایط، ضوابط و محدودیت‌های قانونی را نیز در مسئله آزادی گردش اطلاعات را یک ضرورت قلمداد می‌کنند. منتقدان گردش آزاد اطلاعات بر این باورند که این جریان نباید مغایر با مسائل زیر باشد:

۵. ۱. جریان آزاد اطلاعات نباید اصل حاکمیت ملی کشورها بر قلمرو زمینی، دریایی و هوایی و نیز اتباع و اموال موجود در آن سرزمین را، نقض کند، زیرا نقض آن می‌تواند منجر به برهم زدن امنیت و نظم عمومی جامعه و به خطر افتادن سلامت جسمی و اخلاقی شهروندان شود.

۵. ۲. جریان آزاد اطلاعات نباید اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها را نقض کند. زیرا هیچ کشوری حق ندارد از طریق روش‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در امور داخلی سایر کشورها مداخله کند و موجب برهم زدن امنیت و نظم عمومی در آن کشورها شود.

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی به شکل چشمگیری نسبت به گذشته رشد و توسعه یافته‌اند و افراد و جوامع در هر نقطه از جهان در معرض مواجهه با حجم انبوه و بی‌پایان اطلاعات لحظه‌ای‌اند. جهان امروز ارتباطات با ویژگی‌هایی همچون شبکه‌ای بودن، فرامکانی و فرازمانی بودن، دوسویه بودن، آسان و ارزان بودن سبب تغییرات مهمی در ساختارهای اجتماعی شده است.

شهروندان دیجیتال جامعه اطلاعاتی یا جامعه شبکه‌ای، امروزه در شرایطی بسیار متفاوت از گذشته پدران و اجدادشان زندگی می‌کنند، از این رو که تحت تأثیر فناوری‌های اطلاعاتی

مسائلی همچون افزایش نابرابری اقتصادی متأثر از توسعه اقتصاد اطلاعاتی و در نتیجه آن افزایش شکاف دیجیتالی و شکاف آگاهی، بروز وضعیت اضافه‌باری و کم‌باری اطلاعاتی، افزایش اطلاعات جعلی و نادرست در اثر تولید و انتشار بی‌ضابطه اطلاعات، دائمی شدن وابستگی کشورهای فقیر به غنی و استفاده ابزاری از گردش آزاد اطلاعات توسط کشورهای شمال را به دنبال داشته است که می‌بایست آنها را به‌عنوان پیامدهای منفی جریان آزاد اطلاعات به مسائل دیگری همچون حریم خصوصی، مالکیت معنوی و آزادی بیان افزود. همچنین باید گفت، دسترسی بی‌حدومرز، و بی‌قاعده به اطلاعات و منابع اطلاعاتی به همان اندازه که می‌تواند مفید باشد، می‌تواند منجر به بروز آسیب‌های فراوان در حوزه‌های مختلف اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی، امنیتی، اقتصادی و حقوقی برای کشورها و جامعه جهانی شود. از این رو وجود سازوکار مشخص، ضوابط و قوانین متناسب و متعادل درباره مسئله آزادی اطلاعات می‌تواند از حجم این آسیب‌ها بکاهد.

دیدگاه‌های طرح‌شده موافق و مخالف در زمینه دکترین جریان آزاد اطلاعات در حالی بیان شده و می‌شود که جهان از سال ۲۰۲۱ میلادی وارد یکی از مهم‌ترین دهه‌های زندگی بشر شده که بر اساس دیدگاه‌های صاحب‌نظران، این دهه، زندگی انسان را دچار تحولی ژرف خواهد نمود و فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی همچون «هوش مصنوعی»^{۷۰}، «متاورس»^{۷۱}، «اینترنت اشیا»^{۷۲} و انواع «واقعیت مجازی»^{۷۳} به شکل چشمگیری نسبت به گذشته رشد و توسعه خواهند یافت، به گونه‌ای که تصور آینده چیزی شبیه فیلم‌های علمی-تخیلی خواهد شد. به‌ویژه اینکه تحولات فناوریانه و سبک زندگی پست‌مدرن همچون یک سونامی سهمگین ساختارهای پیشین زندگی بشر را درهم خواهد کوبید. همچنین پیش‌بینی می‌شود توسعه اینترنت پرسرعت ماهواره‌ای قابل‌دسترس در تمام نقاط کره زمین نیز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تحولات سال‌های پیش رو، اساساً ممکن است، مدیریت و کنترل اینترنت را از دسترس حاکمیت ملی کشورها، خارج سازد، لذا مسائل طرح‌شده به‌عنوان واقعیت‌های فناوری‌های دنیای پیش رو به شمار می‌روند که می‌بایست مورد توجه جدی کشورهای مستقل قرار گیرد و برای برون‌رفت از آن، به‌جای استفاده از مُسکن، به دنبال درمان باشند.

شده توسط خودشان از کشورهای جنوب را به جهان مخبره می‌کنند؛ این فراگرد ارتباطی میان شمال و جنوب و شرق و غرب چنان مؤثر بوده که «ادوارد سعید»^{۶۸} از اندیشمندان مطرح پارادایم پسا استعمارگرایی، بر این باور بود که شرق کشف نشد، شرق ساخته شد!

در این معادله نابرابر، با توجه به امکانات و تکنولوژی‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری موجود در کشورهای شمال و مرکز، فرصت یک جریان دوسویه و متعادل، عملاً وجود ندارد. این امر سبب شده که ابزارها و تکنولوژی‌های ارتباطی به تعبیر اندیشمند انتقادی آمریکایی «هربرت شیلر»^{۶۹} بنیانی برای رشد و پیشبرد نظام سرمایه‌داری شود. این نابرابری اقتصادی حاصل از جامعه اطلاعاتی و ارتباط یک‌سویه، مهم‌ترین عامل اثرگذار بر تولید، توزیع و مصرف کالا شده است؛ چراکه نظام سرمایه‌داری به اطلاعات به مثابه سایر کالاها نگاه می‌کند، و از این رو رسانه‌ها و ارتباطات در کشورهای شمال در برابر شرکت‌های چندملیتی و پول، آزاد نیستند. از این رو جامعه اطلاعاتی و گسترش ارتباطات امروزه منجر به تشدید «فرهنگ مصرف‌گرایی» در کشورهای جنوب شده است؛ در واقع تکنولوژی‌های ارتباطی همواره بر زرق‌وبرق «سرمایه‌داری مصرفی» می‌افزایند و نگاهی به صفحات شبکه‌های اجتماعی، گواه این مدعا است.

نظام سرمایه‌داری که با شعار کار بیشتر، مصرف کمتر آغاز شد، امروزه با شعار کار بیشتر، مصرف بیشتر به حیات خود ادامه می‌دهد. در این میان گسترش ارتباطات و تکنولوژی‌های نوین ارتباطی مهم‌ترین نقش را در این زمینه ایفا کرده‌اند؛ تاجایی که ارزش‌های انسانی در معرض تهدید قرار می‌گیرند و به تعبیر شیلر در هنگامه آتش‌بار اطلاعات، تمام عرصه‌های حیات وجود انسانی در تیررس ارزش‌های تجاری قرار می‌گیرد. شیلر با نگاهی بدبینانه به گردش آزاد اطلاعات و فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، معتقد است نباید نسبت به آن چیزی که به دست می‌آوریم، نگاه خوش‌بینانه داشته باشیم چراکه باید به این اندیشید که در مقابل آن، چه چیز را از دست می‌دهیم.

کشورهای شمال در واقع با تسلط بر جریان آزاد اطلاعات و شاهراه‌های اطلاعاتی و بهره‌گیری از بستر جامعه اطلاعاتی به دنبال گسترش فرهنگ و تحمیل الگوی‌های حاکم بر جوامع خود بر سایر ملت‌ها و کشورها هستند که اندیشمندان از آن با امپریالیسم فرهنگی یاد می‌کنند. این امر، پدید آمدن

۱. ایجاد ساختارها و تصویب قوانین حکمرانی عادلانه دیجیتال مبتنی بر تأمین و صیانت از هنجارها و ارزش‌های اخلاقی، اسلامی و ایرانی و نیز تأمین امنیت و منافع ملی و حفظ حقوق، مصالح و منافع فردی و اجتماعی و حریم خصوصی در عین دسترسی به اطلاعات در عین شفافیت و نیز سلامت محتوا با اجرای کامل «سند راهبردی جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی» مصوب ۱۴۰۱/۵/۱۱ شورای عالی فضای مجازی

۲. نقش آفرینی در عرصه جهانی بر مبنای تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل و استفاده صلح‌آمیز از فضای مجازی با مشارکت همه کشورها در توسعه آن، رفع حکمرانی کشورهای سلطه‌گر بر شبکه جهانی اینترنت و اصلاح آن با همکاری سایر کشورها، ائتلاف‌های بین‌المللی و مشارکت فعال در فرایندهای تصویب قوانین و منشورهای بین‌المللی ضامن امنیت، منافع و حقوق ملی، اعتقادی و سرزمینی همه کشورها با رویکرد خردمندانه و آینده‌پژوهانه

۳. توسعه برنامه‌های آموزش سواد اطلاعاتی، سواد رسانه و سواد دیجیتال در جامعه برای شهروندان از طریق بازنگری در متون درسی و آموزشی دوره‌های آموزشی پایه‌ای آموزش و پرورش و آموزش عالی در دانشگاه‌ها و نیز نقش آفرینی مؤثر رسانه‌ها در این زمینه به منظور ارتقای سواد کنشگری فعالانه و مسئولیت‌پذیرانه اطلاعاتی، رسانه‌ای و دیجیتالی شهروندان.

در پایان می‌توان گفت جریان آزاد اطلاعات، یک شمشیر دولبه است؛ این جریان اگرچه فرصت‌های مهمی را در اختیار جوامع و دولت‌ها قرار می‌دهد، اما تهدیدهای جدی نیز به همراه دارد. از این رو به کشورهای مستقل پیشنهاد می‌شود از میان سه راهبرد، پذیرش، مقابله و یا انطباق فعال یا گزینشی، سومی را به عنوان راهکاری برای برون‌رفت از این شرایط در نظر بگیرند و با مشارکت فعال در تلاش‌های جهانی، به دنبال وضع قوانین و چارچوب‌هایی باشند که در عین فراهم ساختن فرصت استفاده صحیح از این ظرفیت عظیم اطلاعات، تا حد امکان از آسیب‌های آن جلوگیری نمایند و با ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی میان کشورهای همسو، در برابر استفاده ابزاری از جریان آزاد اطلاعات توسط برخی کشورهای غربی، آنها را نسبت به عملکرد خود و زیر پا نهادن قوانین و منشورهای متعدد بین‌المللی، پاسخگو نمایند و یا اینکه ساختارها و سازوکارهای ویژه و نوینی را برای مدیریت جریان اطلاعات در جهان، پدید آورند. شهروندان نیز به نوبه خود می‌توانند با افزایش سواد اطلاعاتی، سواد رسانه‌ای و سواد دیجیتال، تا حدود زیادی از پیامدهای منفی آزادی جریان اطلاعات و اخبار بر زندگی فردی خود بکاهند.

بر این اساس راهبردهای پیشنهادی برای مواجهه با دکترین جریان آزاد اطلاعات و نفی سلطه‌گری یک‌سویه این جریان در جهان، عبارت‌اند از:

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|---|---|
| 1. The Free Flow Of Information | 2. Development Communication |
| 3. United Nations Conference on Freedom of Information | |
| 4. Declaration on Fundamental Principles concerning the Contribution of the Mass Media to Strengthening Peace and International Understanding, to the Promotion of Human Rights and to Countering Racism, Apartheid and Incitement to War. Paris, France. 28 November 1978. | |
| 5. The Balanced flow of information | |
| 6. The International Commission for the Study of Communication Problems | |
| 7. Seán MacBride | 9. The Greater Programme on Communication in the Service of Man |
| 8. Many voices, one world | 10. The New World Information and Communication Order |
| 11. Johan Galtung | 22. The Rise of the Network Society |
| 12. Cultural Imperialism | 23. Information Economy |
| 13. Immanuel Wallerstein | 24. Digital divide |
| 14. Privacy | 25. International Telecommunication Union (ITU) |
| 15. Intellectual property | 26. Measuring Digital Development – Facts and Figures 2023 |
| 16. Freedom of expression | 27. Knowledge Gap |
| 17. Information society | 28. Eric Schmidt |
| 18. Digital Citizen | 29. Technomy |
| 19. Network Society | 30. Exabyte |
| 20. Jan Van Dijk | 31. Zettabyte |
| 21. Manuel Castells | 32. Database |
| | 33. Big Data |
| | 34. Data Mining |
| | 35. Visual Capitalist |
| | 36. The International Data Corporation |
| | 37. Zettabytes |
| | 38. Information explosion |
| | 39. Data Flood |
| | 40. Information Overload |
| | 41. The Managing of Organizations |

- | | | |
|--|---|----------------------------------|
| 42. Bertram Gross | 45. Peter Gordon Roetzel | 48. Information underload |
| 43. Future Shock | 46. Information Overload in the Information Age | 49. forbes |
| 44. Alvin Toffler | 47. Data Smog | |
| 50. Welcome To The Era Of Information Under-Load | | |
| 51. Fake Information | 59. Robert Wright | 67. Neil Postman |
| 52. Disinformation | 60. Media Literacy | 68. Edward Said |
| 53. Fake News | 61. Information literacy | 69. Herbert Schiller |
| 54. Trend | 62. Thomas Hart | 70. Artificial intelligence - AI |
| 55. Meta | 63. Caroline Wessel | 71. Metaverse |
| 56. Spontaneous Order | 64. Electronic Government | 72. Internet of Things - IOT |
| 57. Friedrich A. Von Hayek | 65. Marshal McLuhan | 73. Virtual Reality |
| 58. Non Zero | 66. Technological determinism | |

منابع

- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۱)، فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بردبار، محمد حسن (۱۳۹۲)، درآمدی بر حقوق ارتباط جمعی: مطبوعات، ماهواره، اینترنت، تهران: انتشارات ققنوس.
- جوکار، بهرام، سامانی، سیامک (۱۳۸۴)، مقایسه تحقیقات کیفی و تحقیقات کمی، مجموعه مقالات نخستین همایش روش تحقیق در علوم انسانی، شیراز: ملک سلیمان، صص ۳۳-۴۸.
- روشندل اربطانی، طاهر (۱۳۹۶)، سیاستگذاری رسانه‌ای. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ساروخانی، باقر؛ شکرپیگی، عالیه؛ آقایی، مریم (۱۳۹۷)، جامعه‌شناسی ارتباطات در جهان معاصر، چاپ دوم، تهران: انتشارات بهمن برنا.
- سازمان ملل متحد دفتر جمهوری اسلامی ایران (بدون تاریخ). میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بازیابی در ۱۴۰۲/۲/۱ از: <https://iran.un.org/fa/106018-%D9%85%DB%8C%D8%AB%D8%A7%D9%82-%D8%A8%DB%8C%D9%86%E2%80%8C%D8%A7%D9%84%D9%85%D9%84%D9%84%D-B%8C-%D8%AD%D9%82%D9%88%D9%82-%D9%85%D8%AF%D9-%86%DB%8C-%D9%88-%D8%B3%D-B%8C%D8%A7%D8%B3%DB%8C>
- سازمان ملل متحد دفتر جمهوری اسلامی ایران (بدون تاریخ)، اعلامیه جهانی حقوق بشر، بازیابی در ۱۴۰۲/۲/۲۹ از: https://iran.un.org/sites/default/files/2019-11/UniversalDeclarationHR_0.pdf
- سعیدی، رحمان (۱۳۹۰)، ارتباطات بین‌المللی و میان‌فرهنگی، تهران: انتشارات آوای نور.
- شکرخواه، یونس (۱۳۸۸)، خبر، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- مسعودی، امیدعلی (۱۴۰۰)، همگرایی تناقض‌نمای الکترونیک در برخورد تکنوکراسی و حریم خصوصی، فصلنامه رهپویه ارتباطات و فرهنگ، دوره اول (شماره دوم). ۲۰-۷.
- معلم‌نژاد، کاظم (۱۳۸۳)، ایران و اجلاس جهانی سران در باره جامعه اطلاعاتی، فصلنامه رسانه، شماره ۸.
- معلم‌نژاد، کاظم (۱۳۸۸)، ارتباطات در جهان معاصر، تهران: نشر شهر.
- معلم‌نژاد، کاظم (۱۳۸۹)، ارتباطات بین‌المللی، جلد یکم، تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.
- مولانا، حمید (۱۳۷۱)، جریان بین‌المللی اطلاعات، گزارش و تحلیل جهانی، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- همدانی، مصطفی (۱۳۹۳)، امپریالیسم فرهنگی، بازیابی در ۱۴۰۲/۲/۱ از: http://pajoohe.ir/%D8%A7%D9%85%D9%BE%D8%B1%D-B%8C%D8%A7%D9%84%DB%8C%D8%B3%D9%85-%D9%81%D8%B1%D9%87%D9%86%DA%AF%D-B%8C-Cultural-Imperialism__a-42389.aspx#_ftnref9
- جامعه‌منیوستا (بدون تاریخ)، میثاق الأفریقی لحقوق الإنسان والشعوب، مکتبه حقوق الإنسان، بازیابی در ۱۴۰۲/۲/۱ از: <http://hrlibrary.umn.edu/arab/a005.html>

منابع عربی

Alexander, Athul. (2023). *How AI and the Metaverse Will Impact the Datasphere*. Accessed 22 November 2023, From: <https://www.visualcapitalist.com/sp/how-ai-and-the-metaverse-will-impact-the-datasphere/>

Beniger, James R. (1986). *The Control Revolution: Technological and Economic Origins of the Information Society*. Cambridge, Mass.: Harvard University Press.

Boyd Barrett, Oliver. (2009) Free Flow of Information. *Encyclopedia of Journalism*. Editor: Christopher H Sterling. Sage Publications. Accessed 15 December 2023 From: <https://omnilogos.com/free-flow-of-information>

Braman, Sandra (2003). *From the Modern to the Postmodern: The future of global communications theory and research in a pandemonic age*. Sage Publications, Thousand Hills, CA.

Castells, Manuel. (2010). *The Information Age: Economy, Society and Culture Volume 1: The Rise of the Network Society*. 2nd ed. Oxford: Wiley Blackwell.

Dainton, Marianne; Zellei, Elain (2011). "Communication In Postmodern Integrated Marketing". Sage Publications.

European Court of Human Rights. (1950). *European Convention on Human Rights*. Accessed 8 April 2023, From: https://www.echr.coe.int/Documents/Convention_ENG.pdf.

ITU. (2023). *Measuring Digital Development – Facts and Figures 2023*. www.itu.int. Accessed 25 November 2023 From: https://www.itu.int/hub/publication/d-ind-ict_mdd-2023-1/

Joseph, Speier; Vessey, Iris (March 1999). "The Influence of Task Interruption on Individual Decision Making: An Information Overload Perspective". *Decision Sciences*. 30 (2): 337–360.

MacBride, Sean. (1980) *Many Voices One World*, Unesco, Paris.

Naveed, Fakhar. (2020). Free flow of information. Accessed 15 December 2023 From: <https://www.masscommunicationtalk.com/free-flow-of-information.html>

Organization of American States. (1969). *American Convention On Human Rights*, Accessed 5 April 2023, From: <http://www.cidh.org/Basicos/En->

<http://www.cidh.org/Basicos/En->

Roetzel, Peter Gordon (2019). "Information overload in the information age: a review of the literature from business administration, business psychology, and related disciplines with a bibliometric approach and framework development". *Business Research*. 12 (2): 479–522. Speier, Cheri; Valacich,

Rosenbaum, Steven. (2013). *Welcome To The Era Of Information Under-Load*. Accessed 22 November 2023, From: <https://www.forbes.com/sites/stevenrosenbaum/2013/07/23/welcome-to-the-era-of-information-under-load/?sh=49016c821df4>

Taylor, Petroc. (16 Nov 2023). Volume of data/information created, captured, copied, and consumed worldwide from 2010 to 2020, with forecasts from 2021 to 2025. www.statista.com. Accessed 22 November 2023 From: <https://www.statista.com/statistics/871513/worldwide-data-created/>

Taylor, Petroc. (24 Jun 2022). Big data analytics market revenue worldwide in 2019 and 2025. www.statista.com. Accessed 22 November 2023 From: <https://www.statista.com/statistics/947745/worldwide-total-data-market-revenue/>

Techcrunch. (2011). Eric Schmidt: Every 2 Days We Create As Much Information As We Did Up To 2003. www.techcrunch.com. Accessed 25 November 2023 from: <https://techcrunch.com/2010/08/04/schmidt-data/>

Tichenor, P.A.; Donohue, G.A.; Olien, C.N. (1970). "Mass media flow and differential growth in knowledge". *Public Opinion Quarterly*. 34 (2): 159–170.

UNESCO. (1978). *Declaration on Fundamental Principles concerning the Contribution of the Mass Media to Strengthening Peace and International Understanding, to the Promotion of Human Rights and to Countering Racism, Apartheid and Incitement to War*, Accessed 1 April 2023, From: <https://en.unesco.org/about-us/legal-affairs/declaration-fundamental-principles-concerning-contribution-mass-media>.

UNESCO. (2023). *About Media and Information Literacy*. Accessed 1 April 2023, From: <https://www.unesco.org/en/media-information-literacy/about>

Van Dijk, Jan. (2020). *The Network Society*. Fourth Edition. Los Angeles. London. New Delhi. Singapore: Sage Publications.